

سکه‌های دوره‌ی مغول

مهدی یاراحمدی



مقدمه

کشور از مبادله‌ی سکه برای امور اقتصادی تغییر کند و بیشتر برپایه‌ی مبادله‌ی اوراق بهادار قرار گیرد.

به دلیل عدم وجود منابع فارسی (و حتی انگلیسی) کافی درباره‌ی سکه‌های این دوره، نگارنده به ناچار از تحقیقات میدانی در سه موزه‌ی مهم سکه‌ی کشور استفاده کرده است. این سه موزه عبارت‌اند از: موزه‌ی سکه‌ی آستان قدس رضوی، موزه‌ی تماشاگاه پول تهران و موزه‌ی مراغه. نویسنده تلاش کرده است، تا با بررسی سکه‌های دوره‌ی مغول و تیموری به سؤالات زیر پاسخ دهد.

۱. سیر تحول سکه‌های مغول بیانگر چه تحولات فرهنگی است؟

۲. ویژگی کیفی و کمی سکه‌های دوره‌ی مغول در ایران چیست؟

۳. با تکیه بر ضرابخانه‌های سکه‌های تیموری و مغول، چه شهرهایی اهمیت اقتصادی خود را طی دو حمله‌ی مغولان از دست ندادند و به سرعت جایگاه اقتصادی خود را باز یافتند؟

دوره‌ی مغول‌ها به دلیل حمله‌ی بزرگ و ویرانگر آن‌ها به خاک ایران از اهمیت خاصی در تاریخ کشورمان برخوردار است. پس از این حملات بود که بسیاری از شاخص‌های فرهنگی، هنری و سیاسی تاریخ ایران تغییر یافت، به حدی که سبب شده مورخان دوره‌ی مغولان را در تاریخ ایران سرآغاز عصری جدید در تاریخ این مرز و بوم بشناسند.

یکی از مباحث مهم دوره‌ی مغول منابع تاریخی این دوره هستند؛ از جمله آثار مکتوبی که بعضاً از بهترین نمونه‌های تاریخ‌نگاری در ایران هستند. به نظر می‌رسد، وجود این منابع باعث گردیده تا منابع درجه دوم تاریخ‌نگاری مانند سکه‌ها، کمتر مورد توجه قرار گیرند؛ به طوری که امروزه کمتر از چند صفحه در یک یا دو کتاب سکه‌شناسی، درباره‌ی سکه‌های این دوره می‌توان مطلب یافت. این در حالی است که سکه‌های این دوره می‌تواند اطلاعات جالب و بی‌طرفی، مثلاً درباره‌ی تأثیر حملات مغولان به مراکز تجاری مهم که در هیچ کتاب تاریخی این دوره یافت نمی‌شود، در اختیار پژوهشگران قرار دهند.

یکی از دلایل کاهش وجود سکه در دوره‌ی مغولان، استفاده‌ی گسترده از پدیده‌ی برات یا حواله‌ی مالی بود که بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. این پدیده باعث گردید، تا سیستم مالی

کلیدواژه‌ها: سکه، ایلخانان، مغولان.

متن سکه‌های ایلخانی

در دوره‌ی ایلخانان، ضربخانه‌ها درباره‌ی انتخاب و نوشتن متن روی سکه آزادی عمل زیادی داشتند. اما انتظار از ضربخانه‌های متفاوت آن دوران این بود که به نظام ایلخانی و سیاست‌های کلی مذهبی آن وفادار بمانند. این آزادی عمل باعث می‌شد تا نماینده‌ی سلطان یا حاکم هر شهری به سلیقه‌ی خود



سکه‌های ایلخانی با ضرب نام پادشاهان به خط اویغوری، موزه تماشگاه پول تهران

تغییراتی در روی سکه‌ها بدهند. مثلاً در آمل که طرفداران شیعه در آن بسیار بودند، حتی در دوره‌ی طغایمور سکه با نام دوازده امام ضرب می‌شد (سرافراز و آور زمانی / ص ۲۱۷).

سکه‌های ایلخانی از نظر متن به سه دوره

تقسیم می‌شوند (سرافراز و آور زمانی / ص ۷-۲۱۶) و نوع متن نگارش یافته در هر

دوره با متن دوره‌های دیگر متفاوت است. باید توجه داشت که متن سکه‌های ایلخانی در هر یک از سه دوره، نوع نگرش فرهنگی ایلخانان را مشخص می‌کند. به‌صورت عمومی، ایلخانان در ابتدای دوره‌ی حکومت خود، با توجه به فاصله‌ی فرهنگی بسیار زیادی که بین آنان

و مردم سرزمین‌های فتح شده، به‌ویژه در ایران، وجود داشت، از عامل اسلامی فرهنگ ایرانی بر روی سکه‌های خود استفاده کردند.

در دوره‌ای دیگر، که می‌توان آن را دوره‌ی بازگشت تلقی کرد، برخی از ایلخانان تلاش کردند با ضرب سکه‌ها به خط اویغوری، اندک‌اندک به سوی ارزش‌های فرهنگی مغولی خود حرکت کنند؛ اما این جنبش شکست خورد، زیرا الجایتو مسلمان شد و با جدیت به توسعه‌ی فرهنگ اسلامی و ایرانی روی آورد؛ بنابراین فرهنگ مغولی که توانایی عرضه‌ی خصوصیات فرهنگی بسیار کمتری داشت، کم‌کم به حاشیه رانده شد. از آن پس فقط پاره‌ای از ناراضیان سیاسی بودند، که از روش دوم در ضرب سکه‌ها استفاده می‌کردند.

ضرب سکه‌ها در دوره‌ی مغول‌ها را به‌طور کلی می‌توان به

سه دوره‌ی متفاوت تقسیم کرد:

۱. در دوره‌ی اول، ایلخانان تحت تأثیر فرهنگ غنی اسلامی، همانند دوره‌های قبلی، از عبارات اسلامی برای ضرب روی سکه‌های خود استفاده می‌کردند. مثلاً هلاکوخان روی سکه‌های خود جمله‌ی «قُلْ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ تَوْتَى الْمَلِكِ مِنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعَ الْمَلِكِ مِنْ تَشَاءُ وَ تَعَزَّ مِنْ تَشَاءُ...»، «بگو پروردگارا، پادشاهی از آن توست، به هر کس که بخواهی می‌دهی و از هر که بخواهی می‌گیری و هر که را بخواهی عزیز می‌کنی...» (سوره‌ی آل عمران، قسمتی از آیه‌ی ۲۶). این قبیل آیه‌ها و جمله‌های به کار رفته بر روی سکه‌های دوره‌ی هلاکو، بیانگر موضوع جالبی است و آن این‌که، مغولان که فاقد مشروعیت دینی برای حکومت بر سرزمین‌های اسلامی بودند، تلاش می‌کردند بدین‌وسیله به حکومت رسیدن خود را به تقدیر الهی منسوب کنند. این سکه‌ها دست به دست در میان مردم عادی می‌گشت و ایدئولوژی تقدیرگرایی مغول‌ها را تبلیغ می‌کرد. شاید این عمل هلاکو تحت تأثیر مشاوران برجسته‌ای چون خواجه نصیرالدین طوسی بوده است.

۲. در دوره‌ی دوم، آثار فرهنگ مغولی بر روی سکه‌ها بیشتر شد. در این دوره، هرچند تعدادی از ایلخانان مسلمان شده بودند، اما نام خود را به زبان رسمی مغولان، یعنی زبان

اویغوری می‌نگاشتند. این ایلخانان عبارت بودند

از: آباقاخان، احمد تگودار، ارغون‌خان، گیخاتو، بایدو و غازان خان محمود. این دوره همان‌گونه که اشاره شد، دوره‌ی بازگشت فرهنگی بود. مغولان به غلط می‌پنداشتند که برتری نظامی ایشان در جهان آن روز، موجب برتری فرهنگی ایشان نیز خواهد شد، لذا استفاده از خط اویغوری برای ثبت نام‌های ایلخانان اولین قدم در این راه بود.

البته در تفسیری دیگر از این موضوع می‌توان گفت که ایلخانان با نوشتن نام‌های خود به زبان اویغوری تلاش می‌کردند، تا رابطه‌ی فرهنگی و سیاسی خود را با سرزمین مادری خود،



سکه‌ی بسیار زیبای طلایی غازان‌خان، موزه‌ی آستان قدس رضوی

مغولستان، حفظ کنند. به هر صورت این حرکت شکست خورد، زیرا آخرین ایلخانان از آن پیروی نکردند. مهم‌ترین دلیل آن، وجود دیوان‌سالاران ایرانی چون عطاملک جوینی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله و... در دستگاه ایلخانان بود که صرف از نظر از سپاه بیشتر امور دیوانی را در دست داشتند.

۳. در دوره‌ی سوم که از زمان الجایتو آغاز شد، نام و القاب سلطان با حروف فارسی نوشته می‌شد. در این دوره روی سکه‌ها، به تناسب مذهب ایلخان، شهادتین و نام دوازده امام یا شهادتین و نام خلفای راشدین ضرب می‌گردید. این ایلخانان کسانی چون الجایتو (محمد خدابنده)، ابوسعید، ارباگون، موسی، طغتمور و... بودند. این دوره، دوره‌ی پیروزی فرهنگی ایرانیان بود. در این دوره حتی شخص ایلخان، تحت تأثیر فرهنگ ایرانی و اسلامی، از بسیاری از نمادها و شاخص‌های فرهنگی مغولی خود جدا شد. صرف از نظر از مسائل فرهنگی و وجود دیوان‌سالاران ایرانی، مهم‌ترین عاملی که در این دوره باعث رواج ضرب سکه به شیوه‌ی اسلامی و ایرانی در ایلخانان شد، وجود اختلافات فراوان بین سرداران مغول بود. ایلخانان در برابر سردارانی که خواهان بازگشت به نظام صحرانوردی و یاسای چنگیزی بودند، چاره‌ای جز پیوستن به ایرانیان نداشتند و مهم‌ترین مشخصه‌ی فرهنگی ایرانیان هم در آن دوره دین اسلام بود.

یک سکه‌ی پنج درهمی ضرب آمل از دوره‌ی الجایتو در دست است که روی آن آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی فتح و پشت آن عبارتی در مدح پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) ضرب شده است. در حاشیه‌ی سکه هم صلوات بر پیامبر و ائمه‌ی معصومین با القاب و کنیه‌ی ایشان است (سرفراز و آور زمانی / ص ۲۲۰).

ضرب تمام سکه‌ها بسیار نفیس و عالی است. معمولاً سکه‌های این دوره مانند دوره‌های قبلی از دو دایره‌ی تودرتو تشکیل شده است که دایره‌ی دوم محیط سکه است. این شیوه از زمان ساسانیان در ایران معمول شد. نوشتن متن در درون دایره‌ی اول در دوره‌ی خلفای راشدین و نوشتن متن در درون دایره‌ی بیرونی در زمان خلفای اموی رسم گردید. تفاوت مهم دوره‌ی ایلخانی در پیدایش شکل شش ضلعی روی سکه است که به ویژه در مورد سکه‌های شیعه به وفور دیده می‌شود. این شش ضلعی جایگزین دایره‌ی داخلی شده است.

یکی از سکه‌های یافت‌شده از دوره‌ی ارغون است. در این سکه، یک ستاره‌ی داود در مرکز سکه قرار دارد. استفاده‌ی زیاد از خط اویغوری در این سکه‌ها و نام ارغون به خط اویغوری نشان‌دهنده‌ی زمان ضرب سکه است.

با توجه به شواهد تاریخی ثبت شده در دوره‌ی ایلخانان، این سکه باید ضرب شده در دوره‌ی وزارت شخصی به نام سعدالدوله باشد که یهودی بود و در یک دوره‌ی کوتاه چندساله با کمک هم‌کیشان خود، امور دیوانی ایلخانان را برعهده داشت. ضرب ستاره‌ی داود، که قبل از آن در تاریخ سکه‌های ایرانی بی‌سابقه بوده است، بیانگر قدرت زیادی است که ارغون‌خان مغول به سعدالدوله داده بوده است.

قابل توجه است که عبارات ضرب‌شده در مرکز سکه‌های دایره‌ای، اهمیت بیشتری نسبت به نوشته‌ی حواشی سکه دارند و می‌توان آن را به منزله‌ی شعار رسمی ضرب‌کننده تلقی کرد. حداقل این است که، وجود ستاره‌ی داود در مرکز سکه، حمایت



مهر تمغا. عکس از ویکی پدیا

از دین یهودی نسبت به اسلام را در این دوره نشان می‌دهد. روایات موجود از این دوره نیز عبارات فوق را تأیید می‌کند (بوئل، ص ۳۴۷). نمونه‌ی این سکه‌ها امروزه در مجموعه‌ی سکه‌های موزه‌ی مراغه نگهداری می‌شود.

عیار و وزن سکه‌های ایلخانی

عیار و وزن سکه‌های ایلخانی، مانند تمام دوره‌های دیگر بسته به قدرت خان یا پادشاه، کم یا زیاد می‌شده است. در ابتدای دوره‌ی ایلخانی، به واسطه‌ی قدرت ایلخانان عیار سکه‌ها دقیق‌تر بود، اما در انتهای این دوره، با کاهش قدرت مرکزی و کاهش قدرت مالی، عیار یا کیفیت سکه کاهش یافت. سکه‌های یافت شده در دوره‌ی ایلخانی بیشتر درهم‌های نقره هستند، اما نمونه‌هایی از سکه‌های طلا نیز دیده شده است. ضرب منظم سکه‌های طلا از نظر علم سکه‌شناسی، به معنی قدرت اداری و مالی بالای حکومت و رونق تجاری در سرزمین‌های ضرب‌کننده است. بیشتر سکه‌های طلای یافت شده از این عصر، مربوط به دوره‌ی غازان‌خان است، و البته موارد کمی هم از سکه‌های ایلخان‌های نخستین نیز یافت شده است. وزن تقریبی سکه‌های نقره‌ی یافت شده در این دوره، مانند

دراپتدای

دوره‌ی ایلخانی، به

واسطه‌ی قدرت ایلخانان

عیار سکه‌ها دقیق‌تر بود، اما

در انتهای این دوره، با کاهش

قدرت مرکزی و کاهش

قدرت مالی، عیار یا

کیفیت سکه کاهش

یافت

در
دوره‌ی دوم، آثار
فرهنگ مغولی بر
روی سکه‌ها بیشتر
شد

مهم تبدیل شدند. مهم‌ترین این شهرها سلطانیه و مراغه‌اند که در دوره‌ی ایلخانان اهمیت زیادی یافتند.

این شهرها عبارت‌اند از:

شهرهای گروه اول

آمل، ابرقو، ابیورد اخلاط، اَران، اربیل، اردبیل، ارزروم، استراباد، اصفهان، اهواز، بصره، بغداد، بهبهان، تبریز، تفریس، خوی، دامغان، رشت، ری، سلماس، سمنان، شوش، شوشتر، شیراز، طوس، کاشان، کرمان، هرات، نیشابور، همدان و یزد. نکته‌ی جالب درباره‌ی این سی و دو شهر این است که این شهرها، هم‌اکنون هم که هشت قرن از دوره‌ی مغول گذشته است هم‌چنان از شهرهای مهم ایران و یا کشورهای همسایه‌ی ایران محسوب می‌شوند. (مخصوصاً باید توجه کرد که به استثنای تهران که در دوره‌ی قاجار اهمیت پیدا کرد، و کرمانشاه که احتمالاً در این دوره اهمیت خود را به نفع همدان از دست داد، و مشهد که بعد از ویرانی نیشابور اهمیت خود را از این شهر کسب کرد، شش شهر از نه کلان‌شهر مهم ایران امروز در میان اسامی فوق قرار دارند. این شش شهر عبارت‌اند از: اصفهان، تبریز، اهواز، کرمان، یزد، شیراز، دلایل جغرافیایی را باید مهم‌ترین دلیل احیای این شهرها بعد از حملات ویرانگر دوره‌ی مغول و حتی تیموری دانست.)

شهرهای گروه دوم

آنی، آوه، ارجیش، اردوباد، ارزنجان، ارس، اروند، اسفراین، بازار، بازار اردو، بازار شوکان، بانه، بایبرد، بلاخور، توقات، جزیره، حصن کیفا، حله، خبوشان، دهستان، رشیدی، رنتان، ریدان، سامسون، ساوه، سبزوار، سلطانیه، سیواس، قزوین، دیس (جزیره کیش)، قم، قیصریه، کازرون، کلیوان، کوهگیلویه، لربرزگ، لر کوچک، ماردین، مراغه، معدن موشوان، موصول، معدن کلیساران، نخجوان.

منابع

۱. اقبال آشتیانی عباس. تاریخ مفصل ایران. تهران. انتشارات بهزاد. چاپ سوم، ۱۳۸۳.
۲. بویل. جی. آ و دیگران، تاریخ ایران کمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانان. ترجمه: حسن انوشه. تهران. انتشارات امیرکبیر. چاپ ششم، ۱۳۸۵.
۳. دورانت، ویل و آریل. تاریخ تمدن: عصر ایمن، جلد دوم. ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ هشتم، ۱۳۸۱.
۴. سرفراز، علی‌اکبر و آور زمانی، فریدون. سکه‌های ایران. تهران. انتشارات سمت. چاپ اول، ۱۳۷۳.
۵. لمبتون آن. تداوم و تحول در تاریخ میانه‌ی ایران. ترجمه. دکتر یعقوب آژند. تهران. نشر نی. چاپ سوم، ۱۳۸۶.

6. Minorsky. V. A, Iranica, tehran, 1964.

دوره‌ی سلجوقی، ۳ تا ۴ گرم است. اما وزن سکه‌ی طلای غازی، که در موزه‌ی آستان قدس رضوی موجود است، بالغ بر ۸ گرم است. این عدد به رقم استاندارد سکه‌های طلای امروزی بسیار نزدیک است.

ضراب‌خانه‌های ایلخانی

اصولاً ضراب‌خانه‌ها در شهرهایی بودند که آن شهرها دارای اهمیت سیاسی یا اقتصادی زیاد بودند. تا قبل از تمرکز ضراب‌خانه‌های یک حکومت در یک شهر مشخص، آن حکومت یک ضراب‌خانه‌ی سیار همراه اردوهای نظامی

در دوره‌ی
سوم که از زمان
الجایتو آغاز شد،
نام و القاب سلطان
با حروف فارسی
نوشته می‌شد

خود داشت. ایلخانان پس از تحکیم قدرت خود، در ۷۶ شهر ضراب‌خانه داشتند (سرفراز و آور زمانی؛ ص ۲۱۷). متأسفانه نگارنده فهرست ضراب‌خانه‌های خوارزمشاهیان، یعنی سلسله‌ی پیش از مغول، را نیافته است. البته به سادگی می‌توان حدس زد که ضراب‌خانه‌های مهم آن‌ها در ماوراءالنهر قرار داشته‌اند. تعداد ضراب‌خانه‌های سلسله‌ی قبل از خوارزمشاهیان، یعنی سلجوقیان، به نسبت قلمرو وسیع‌شان بسیار کم بوده است.

نگارنده ضراب‌خانه‌های شهرها را در دوره‌ی مغول به دو گروه تقسیم می‌کند. منای این گروه‌بندی وجود یا عدم وجود ضراب‌خانه در شهرها از سلسله‌های قبلی است. به عبارت دیگر، در گروه اول شهرهایی هستند که در دوره‌های قبلی دارای ضراب‌خانه بوده‌اند، و گروه دوم شهرهایی می‌باشند که قبلاً ضراب‌خانه نداشته‌اند و اختصاصاً در دوره‌ی مغول دارای این اداره‌ی مهم اقتصادی شدند. شهرهای گروه دوم، در دوره‌ی مغول از شهرهای کم‌اهمیت و درجه دو، به شهرهای